



سجده عشق

من هستم و تو هستی و یک فاصله بین ما !

من تنها هستم و عاشق هستم و دلتنگ یار !

لحظه هایی بود که هر گاه دلتنگت میشدم کار من اشک ریختن بود و غصه خوردن !

مدتیست که دیگر دلتنگت نمیشوم ، بر سر سجاده عشق سجده میکنم و تو را دعا میکنم!

با خدا راز و نیاز میکنم !

آخر سر یک سجاده خیس به جا می ماند و یک دل خالی از درد و دلتنگی!

کار من شب و روز راز و نیاز با خداست

دو چشم خیس و یک دل خالی از درد سهم من از دیدار با اوست!

سجده میکنم در برابر او که ما را یاری میدهد ، و روزی ما را به هم خواهد رساند !

من که امیدوارم به فرداهای با تو بودن ، تو نیز با امیدواری من امید داشته باش به خدای
خویش!

من هستم و روز و شب راز و نیاز با خدا ، یک دل پر از راز هست و تو هستی که تنها نیاز منی !

بعد از ذکر کلام خدا ، نام مقدس تو را زمزمه میکنم ، برای خدا ، برای دلم !

ما را به هم برسان ای بخشنده ترین ، ای مهربانترین!

ما تنها امیدمان تویی ، تنها تویی که میتوانی خوشبختیمان را تضمین کنی!

عشق ما پاک است ، قبله ما مقدس است ، این زیباترین لحظه عاشقیست!

وقتی درد دلم را با خدای خویش در میان میگذارم ، احساس آرامش میکنم ، احساس

میکنم او که تنهاست درد مرا میفهمد و میداند که من چه آرزویی را در دل دارم!

کار من شب و روز دعاست ، به خدا عشق ما بی ریاست!

عشق ما مقدس است ، خدا با ماست ، همین برای من و تو بس است!

سجده میکنم در برابر او ، دعا میکنم تو را ، و میگویم راز دلم را با او و از او میخواهم که

مرا به تنها آرزویم که رسیدن به تو است برساند!

